



کمیته حسابرسی اثربخش؛

دانش و تجربه مربوط

گفتگو

با

مرتضی اسدی

آقای مرتضی اسدی رئیس هیئت نظار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند. از دیگر سمتهای ایشان می توان به عضویت علی البدل شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران و عضو کارگروه کنترل کیفیت آن جامعه، عضو کمیته های تدوین استانداردهای حسابرسی، ترفیعات و طبقه بندی مشاغل و آموزش و تحقیقات سازمان حسابرسی عضو هیئت مدیره انجمن حسابرسان داخلی ایران و رئیس کمیته های فنی و تدوین استانداردهای حسابرسی داخلی و کنترل کیفیت آن انجمن و کارشناس رسمی دادگستری، اشاره کرد.

سپار

به میز گفتگوی حسابرس خوش آمدید. گفتگو را با این پرسش آغاز می کنیم که چرا حسابداران به موضوع نظام راهبری بنگاه علاقه نشان می دهند؟ چه ارتباطی بین اصول نظام راهبری شرکتها و گزارشگری مالی وجود دارد؟

اسدی

سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) اصول راهبری شرکتی را اینگونه بیان کرده است که:

اصل ۱- اطمینان از فراهم بودن پایه های لازم برای چارچوب راهبری شرکتی کارا

چارچوب راهبری شرکتی بایستی بازارهای کارا و شفاف را ترویج دهد، با حاکمیت قانون سازگار باشد و به وضوح تقسیم مسئولیتها بین مسئولان نظارتی، مقررات گذاری و اجرایی را بیان کند.

اصل ۲- حقوق سهامداران و وظایف اصلی مالکیتی

چارچوب راهبری شرکتی بایستی از دستیابی سهامداران به حقوق شان حمایت کند و این مسئله را تسهیل کند.

هدف صورتهای مالی (به عنوان بخش اصلی فرایند گزارشگری مالی) عبارت از ارائه اطلاعات تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری (اصل افشا و شفافیت) است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورتهای مالی (ذینفعان با تأکید بر سهامداران به عنوان سرمایه گذاران اصلی تا آحاد جامعه) برای گرفتن تصمیمهای اقتصادی مفید واقع شود (منصفانه بودن).

به کارگیری اصول راهبری شرکتی با فراهم آوردن محیط گزارشگری مالی مناسب منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی خواهد شد و گزارشگری مالی از ابزار اصلی راهبری شرکتی است.

حسابرس

حسابرسان در نظام راهبری شرکتها چه نقشی دارند؟

اسدی

در نظام راهبری شرکتها حسابرسان به دو طریق ایفای نقش می کنند؛ حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل.

به کارگیری معیارهای

کمیته حسابرسی

از طریق الزام قانونی

جزو وظایف

ارکان راهبری

واحدهای اقتصادی

قرار گیرد

اصل ۳- رفتار منصفانه با سهامداران

چارچوب راهبری شرکتی بایستی امکان رفتار منصفانه با تمامی سهامداران و از جمله سهامداران اقلیت و سهامداران خارجی را فراهم کند. تمامی سهامداران باید در صورت نقض حقوق شان، امکان دادخواهی مؤثر داشته باشند.

اصل ۴- نقش ذینفعان در راهبری شرکتی

چارچوب راهبری شرکتی باید حقوق ذینفعان را که به وسیله قانون یا توافق های دوجانبه ایجاد شده به رسمیت بشناسد و همکاری فعال بین شرکتها و ذینفعان در ایجاد ثروت، شغل، پایداری مالی و تداوم فعالیتهای تجاری سالم را ترغیب کند.

اصل ۵- افشا و شفافیت

چارچوب راهبری شرکتی بایستی اطمینان دهد که افشای به موقع و صحیح نسبت به موضوعهای مهم مربوط به شرکت شامل موقعیت مالی، عملکرد، مالکیت سهام و راهبری شرکت انجام می شود.

اصل ۶- مسئولیت های هیئت مدیره

چارچوب راهبری شرکتی بایستی نسبت به وجود رهنمودهای راهبری شرکت، نظارت کارای مدیران اجرایی به وسیله هیئت مدیره و پاسخگویی هیئت مدیره نسبت به شرکت و سهامداران اطمینان دهد.

به اختصار می توان گفت هدف نهایی راهبری شرکتی دستیابی به عواملی مانند پاسخگویی، رفتار منصفانه و رعایت حقوق تمامی ذینفعان و افشای به موقع و شفاف موضوعهای مهم (شامل وضعیت مالی و عملکرد مالی) است. اطلاعات مالی در واقع وسیله ای است که به کمک آن دستیابی به هدفهای راهبری شرکت مستند می شود و به کارگیری اصول راهبری شرکت موجب افزایش خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از جمله قابل اتکا بودن (بی طرفی، بیان صادقانه و کامل بودن ...) و قابل مقایسه بودن (افشای مناسب و به موقع بودن) اطلاعات مالی خواهد شد.

در گزارشگری مالی تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان خارج از واحد تجاری مدنظر قرار می گیرد و در واقع گزارشگری مالی منعکس کننده حسابداری واحد تجاری در قبال منابع آن است و از این رو مبنایی برای ارزیابی وظیفه مباشرت مدیریت (پاسخگویی) فراهم می آورد.

حسابرس

روند تشکیل و توسعه کمیته حسابرسی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه نقطه ضعفهایی وجود دارد و چگونه باید آنها را برطرف کرد؟

اسدی

در ایران سالهاست که سازمان بورس و اوراق بهادار پیگیر استقرار و پیاده‌سازی نظام راهبری شرکتی، به‌ویژه واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران است. سازمان مزبور پس از سالها تلاش در این زمینه، از جمله حمایت از پژوهش‌ها، ترجمه و تدوین کتاب‌ها، مقاله‌ها و دستورالعمل‌های لازم این موضوع را، که از ابتدای دهه ۸۰ شروع شد و پس از اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی، به‌طور جدی‌تر پیگیری کرده است؛ پس از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی که در ابتدای آن چنین آمده است: "... در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه ... این دستورالعمل در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ در ۱۸ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و رعایت مفاد این دستورالعمل از تاریخ

یکی از ۸ رکن اصلی قانون ساربنز اکسلی، که پایه و اساس نظام راهبری شرکتی است، ایفای نقش است که در آن بر ارتباط قوی بین حسابرسان و کمیته‌های حسابرسی، انتصاب حسابرسان به‌وسیله کمیته حسابرسی و نظارت بر کار حسابرسان و تعیین حق الزحمه آنان به‌وسیله کمیته حسابرسی تأکید شده است.

پنجمین اصل از اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه «افشا و شفافیت» است که در آن بیان شده، حسابرسی سالانه باید توسط یک حسابرس مستقل، دارای صلاحیت و تجربه انجام شود تا برای هیئت‌مدیره و سهامداران اطمینانی واقع‌بینانه را فراهم آورد که صورتهای مالی، در تمامی مسائل مهم به‌خوبی وضعیت مالی و عملکرد مالی شرکت را نشان می‌دهد.

حسابرس مستقل از طریق کمیته حسابرسی که کمیته‌ای مستقل و زیر نظر هیئت‌مدیره است، انتخاب و توسط سهامداران به‌کار گرفته می‌شود و در این اصل بر استقلال حسابرس در چارچوب اصول و ضوابط مشخص تأکید شده است. در این اصل تأکید شده که حسابرس مستقل باید به سهامداران پاسخگو باشد و در مورد انجام حسابرسی کاملاً حرفه‌ای برای شرکت احساس مسئولیت کند.

طبق اصل ششم اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، یکی از وظایف مهم هیئت‌مدیره نظارت بر سیستم کنترل داخلی است که شامل گزارشگری مالی و نحوه استفاده از داراییها و حفاظت از آنها در مقابل سوءاستفاده از طریق معاملات اشخاص وابسته می‌باشد.

این وظایف به‌طور عمده به حسابرس داخلی واگذار می‌شوند که در این صورت، حسابرس داخلی باید دسترسی مستقیم به هیئت‌مدیره داشته باشد. برای اطمینان از صحت گزارش‌های اساسی سیستم نظارت، ایجاب می‌کند که هیئت‌مدیره خطوط مسئولیت و پاسخگویی شفاف را در سراسر سازمان برقرار کند. هیئت‌مدیره همچنین باید اطمینان حاصل کند که از طریق مدیریت اجرایی عالی، نظارت کافی در سازمان وجود دارد. یکی از راههای دستیابی به این مهم، به‌وسیله یک سیستم حسابرسی داخلی است که به‌طور مستقیم به هیئت‌مدیره و یا کمیته حسابرسی گزارش دهد.

مدیریت کلان کشور

نحوه عمل کنونی خود

در زمینه انتصاب

مدیران کلان اقتصادی

که عمدتاً فردمحور است را

به سمت مهارت‌محور

تغییر دهد

ابلاغ آن (۱۳۹۱/۲/۲۶) برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران الزامی است، طبق ماده ۱۰ دستورالعمل مذکور مدیران ارشد شرکتها موظف به تشکیل کمیته حسابرسی (زیر نظر هیئت مدیره و مطابق ضوابط سازمان بورس) و واحد حسابرسی داخلی شده اند و در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل یادشده، نمونه منشور کمیته حسابرسی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ شامل ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب رسیده که از تاریخ تصویب لازم الاجراست. در نمونه منشور کمیته حسابرسی که سعی شده است با توجه به اصول راهبری شرکتی تدوین شود، هدف، اختیارات، ترکیب و ویژگیهای اعضا، مسئولیت و ترتیب تشکیل جلسات کمیته پیش بینی شده است و براساس موارد یادشده اغلب شرکتها پذیرفته شده، به جهت رعایت الزامات بورس اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی کرده اند.

در واقع پیشرفتهای شکلی و روی کاغذ خوب بوده است و می توان آمار بالایی در رابطه با تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی به عنوان معیارهایی از راهبری شرکتی در شرکتها بوسیله ارائه داد. با توجه به پژوهش های انجام شده (نمازی و دیگران، ۱۳۹۲) که در فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۲۲ تابستان ۱۳۹۲ با عنوان «بررسی رابطه بین شاخص راهبری شرکتی و بازده سهامداران شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» منتشر شده، دلایل مؤثر نبودن معیارهای راهبری شرکتی در کاهش مشکلات نمایندگی در ایران به شرح زیر عنوان شده است:

- نبود رعایت حداقل معیارهای راهبری شرکتی و کسب رتبه پایین توسط شرکتها؛
- رعایت برخی معیارها به صورت ظاهری بدون درک صحیح از منطق آن معیارها؛
- کمبودهای موجود در آیین نامه تصویب شده نظام راهبری بورس تهران؛ برای نمونه مشخص نکردن خصوصیات و ویژگی های سهامداران نهادی و اعضای غیر موظف هیئت مدیره و ...؛
- بومی نبودن مفاهیم مندرج در آیین نامه.

همچنین نتایج پژوهش های داخلی نشان داده است که ترکیب هیئت مدیره های فعلی شرکتها عضو بورس

اوراق بهادار نمی توانند به طور مؤثر شرکتها را هدایت کرده و هزینه های نمایندگی را کاهش دهند. لازم است یادآوری کنم که در آیین نامه راهبری شرکتی ایران به ویژگیهای لازم از جمله داشتن دانش و تجربه برای اعضای هیئت مدیره اشاره ای نشده است؛ تنها توصیه هایی برای مؤثرتر شدن نظارت های آنها به اعضای هیئت مدیره شده است و هیچ ضمانتی برای اجرا و یا حتی کنترل و بررسی آنها وجود ندارد.

به طور کلی می توان گفت موفقیت به کارگیری نظام راهبری شرکتی در ایران در گرو درک صحیح از منطق معیارهای موجود در آن توسط مدیران واحدهای تجاری است و تا زمانی که انتصاب مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره واحدهای تجاری براساس معیارهای منطقی و اصولی صورت نگیرد و همچنین مدیران غیرموظف مستقل در ترکیب اعضای هیئت مدیره ها وجود واقعی نداشته باشد، در خصوص اثربخش بودن نظام راهبری شرکتی و از جمله کمیته حسابرسی، موفقیتی حاصل نخواهد شد.

فرض اولیه به کارگیری اصول و ضوابط راهبری شرکتی و مثبت بودن نتایج آن، وجود هیئت مدیره هایی است که از دانش و تجربه لازم و استقلال رای واقعی برخوردار باشند که این شرط بدیهی در کشورهایی است که اصول و ضوابط و معیارهای یادشده را تدوین کرده اند.

در ایران هنوز به علم مدیریت و فنون علمی تصمیم گیریهایی مدیریتی اعتقاد واقعی پیدا نشده است (شاید هم به دلیل وفور منابع طبیعی نیاز آن حس نشده است). در برخی موارد مدارک تحصیلی و حرفه ای مدیران حتی بیانگر دانش آنها نیست چرا که دریافت مدرک با کسب دانش همراه نبوده است، به ویژه مدارک اخذ شده در حین انجام کار و استخدام تمام وقت بودن به دست آمده که هم از نظر کسب دانش و هم از نظر کسب تجربه هر دو مورد اشکال دارد. ضمن اینکه در موارد بسیاری رشته تحصیلی مدیران و تجربه های ایشان با سمت آنها و نوع فعالیت شرکتی که عضو هیئت مدیره آن شده اند، رابطه ای ندارد و به این موارد توجه اندکی صورت می گیرد.

ساز

کمیته حسابرسی چه ویژگی هایی باید داشته باشد تا در بهبود کیفیت گزارشگری مالی اثربخش تر باشد؟

اسدی

اصلی ترین ویژگی که اعضای کمیته حسابرسی باید دارا باشند «دانش و تجربه» لازم برای ایفای مسئولیت های محول شده به کمیته (به ویژه اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، مفاهیم راهبری شرکتی و قوانین و مقررات مالی و محاسباتی از جمله قانون مالیاتها، تجارت، بازار سرمایه و ...) و «استقلال واقعی» اکثریت اعضای آن است.

در حال حاضر برخی از اعضای کمیته های حسابرسی شرکت های بورسی معیارهایی را که برشمردم ندارند و در مواردی هم که برخی افراد ویژگی های مزبور را دارا هستند، از وقت و فرصت کافی برای ایفای مسئولیتها برخوردار نیستند. گاهی اوقات اعضای مستقل کمیته ها دارای مسئولیت های متعدد دیگری (از جمله عضویت هیئت علمی دانشگاهها و مدرس چند دانشگاه دیگر، عضویت در هیئت مدیره و کمیته های چند واحد اقتصادی دیگر و شاغل تمام وقت در مؤسسه های حسابرسی و یا سایر واحدهای اقتصادی) نیز می باشند که فرصت لازم و کافی برای انجام وظایف کمیته حسابرسی را ندارند.

ضمن اینکه حق الزحمه عضویت در کمیته های حسابرسی با توجه به زمان لازم جهت ایفای مسئولیت که گاهی خارج از ساعات تشکیل کمیته باید صرف شود، به نحو منطقی و مناسب تعیین نمی شود.

حسابرس

در ارتباط با حسابرسی مستقل، کمیته حسابرسی چه وظایفی دارد؟ آثار آن چیست؟

اسدی

مهمترین مسئولیت های کمیته حسابرسی نسبت به حسابرس مستقل براساس منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار به این شرح بیان شده است:

۱- پایش استقلال حسابرس مستقل و نبود تضاد منافع بالقوه با توجه به آیین رفتار حرفه ای حاکم بر حسابرسی مستقل؛

۲- بررسی تمامی شرایط قرارداد حسابرسی و تناسب حق الزحمه دریافتی حسابرس مستقل؛

۳- ارائه پیشنهاد درباره انتخاب، چرخش یا تغییر حسابرس مستقل و بازرس قانونی به هیئت مدیره متناسب با بررسی ها و الزامات؛

۴- پایش اثربخشی عملکرد حسابرس مستقل و بازرس قانونی

شرکت و نتایج کار آنها؛

۵- مذاکره با حسابرس مستقل و بازرس قانونی درباره برنامه ریزی کلی و راهبرد حسابرسی؛

۶- حسب مورد کسب اطمینان معقول از هماهنگی حسابرس مستقل شرکت های اصلی و فرعی در مواردی که بیش از یک مؤسسه حسابرسی درگیر کار حسابرسی است؛

۷- هماهنگ سازی امور حسابرسی مستقل با حسابرسی داخلی؛

۸- بررسی پیش نویس گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی و مساعدت برای رفع اختلاف نظر بین حسابرس مستقل با هیئت مدیره و مدیرعامل، شامل بررسی اظهار نظر حسابرس مستقل نسبت به کنترل های داخلی؛

۹- بررسی یافته های حسابرس مستقل و بازرس قانونی با حضور مدیریت اجرایی، شامل بررسی هرگونه محدودیت در دامنه رسیدگی حسابرس مستقل، هرگونه عدم توافق حسابرس مستقل با مدیریت، قضاوت های کلیدی حسابداری و حسابرسی، اشتباهات و اصلاحات گزارشهای مالی و حسب مورد پاسخ خواهی از مدیریت اجرایی؛

۱۰- بررسی نامه مدیریت حسابرس مستقل و پیگیری اقدامات مدیریت ارشد در پاسخ به آن؛

۱۱- بررسی و پیگیری اقدامات انجام شده برای رفع بندهای مندرج در گزارش حسابرس و بازرس قانونی و تکالیف تعیین شده توسط مجامع عمومی؛

۱۳- اعلام نظر قبلی در خصوص انجام خدمات غیرحسابرسی مجاز با توجه به آیین رفتار حرفه ای توسط حسابرس مستقل و همچنین مهارت و تجربه حسابرس برای ارائه این خدمات؛

۱۳- برقراری امکان ارتباط آزاد و کامل حسابرسی مستقل با کمیته حسابرسی؛ و

۱۴- ارائه گزارش در خصوص عملکرد حسابرس مستقل به هیئت مدیره و برگزاری حداقل دو جلسه در سال مالی، نشست اختصاصی با حسابرسان مستقل.

آثار کمیته حسابرسی در ارتباط با حسابرس مستقل، سهولت برقراری ارتباط مفید حسابرس مستقل و هیئت مدیره واحد تجاری است و این کمیته از یک طرف باعث بهبود استقلال حسابرس مستقل در واحدهای تجاری و از طرف دیگر استفاده مطلوب و مناسب واحد تجاری از یافته های خدمات حسابرس به منظور بهبود عملیات واحد تجاری می شود، مشروط بر اینکه اعضای کمیته

اعضای مستقل واقعی تشکیل شود می‌تواند موجب توسعه نهاد حسابرسی داخلی شود؛ مشروط بر اینکه اعضای مستقل آن جهت انجام وظایف حجیم و بسیار زیادی که طبق منشور نمونه کمیته حسابرسی بر عهده کمیته مزبور قرار گرفته است، فرصت زمانی مناسب تخصیص دهند.

سازمانها

آیا سازمانهای بخش عمومی و دولتی نیز برای بهبود و ارتقای گزارشگری مالی نیاز به تشکیل کمیته حسابرسی دارند؟

اسدی

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد راهبری شرکتی وجود ندارد. تفاوت‌های چشمگیری در تعریف بر اساس کشور مورد نظر وجود دارد. تعریف‌های موجود از راهبری شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این الگوی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی

حسابرسی فرصت مناسب برای ایفای حجم مسئولیتهایی را که این منشور بر عهده آنها گذاشته است، داشته باشند و واحدهای تجاری حاضر به پذیرش هزینه‌های اضافی از این بابت باشند.

علاوه بر این، ضمانت اجرایی وظایف محوله به کمیته حسابرسی مشخص نیست و اگر هر یک از اعضای کمیته در انجام وظایفش کوتاهی کند، تکلیفی برای آن مشخص نشده است. دستکم برای دارندگان مدرک حرفه‌ای حسابدار رسمی می‌توان این مدرک را هم به عنوان یکی از شرایط عضویت مستقل در نظر گرفت و از طرفی کوتاهی آن عضو در انجام وظایفش را از طریق جامعه حسابداران رسمی ایران پیگیری کرد.

سازمانها

نهاد حسابرسی داخلی در شرکتهای ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا تشکیل کمیته حسابرسی شرکت موجب توسعه این نهاد می‌شود؟

اسدی

در ایران واحدهای حسابرسی داخلی هنوز به طور واقعی استقرار پیدا نکرده‌اند و در برخی از واحدهای اقتصادی نیز که استقرار یافته‌اند از جایگاه سازمانی مناسب برخوردار نبوده و بیشتر به وظایف سنتی که همان بررسی سوابق حسابداری و بررسی مجدد رویدادها و تشخیص رعایت سیاست و رویه‌های واحد اقتصادی است، مشغول هستند و به وظایف نوین حسابرسی داخلی که همان اطمینان بخشی و ارزیابی مدیریت ریسک و کنترل، ارزش افزایی و همچنین اطمینان بخشی در اثربخشی مدیریت ریسک است، روی نیاورده‌اند.

در سالهای اخیر تنها به دلیل الزامات سازمان بورس برخی از شرکتها به استقرار واحد حسابرسی داخلی به صورت شکلی و ظاهری پرداخته‌اند.

با این حال، به امید اینکه حرکت‌های انجام شده به وسیله سازمان بورس در خصوص الزامی کردن واحد حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و تهیه پیش نویس منشورهای مربوط، در آینده روند توجه به این واحد بیشتر شود و جایگاه مناسب خود را در واحدهای اقتصادی به دست آورد. تشکیل کمیته حسابرسی در صورتی که به شکل واقعی خود با حضور

موفقیت به کارگیری نظام

راهبری شرکتی در ایران

در گرو درک صحیح از

منطق معیارهای موجود در آن

توسط مدیران

واحدهای تجاری است

بیان می‌شود.

در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آن (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی ذینفعان وجود دارد.

چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود. سیستم راهبری شرکتی در هر کشور با توجه به ساختار مالکیت شرکتها، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاستهای دولتی، فرهنگ، سرمایه‌گذاریهای خارجی، وضعیت اقتصاد جهانی، عرضه سهام در بازارهای جهانی، و سرمایه‌گذاری نهادی خارجی، متفاوت است.

پذیرفته‌ترین طبقه‌بندی انجام‌شده از سیستمهای راهبری شرکتی؛ طبقه‌بندی آن به سیستمهای **توان درون (Insider-dominated)** و **توان برون (Outsider dominated)** است. در سیستمهای توان درون که در آن شرکتها تحت نفوذ و کنترل تعداد کمی از سهامداران عمده هستند و به واسطه روابط نزدیک میان مالکان و مدیریت‌ها این سیستم‌ها بیشتر رابطه‌محور بوده و جداسازی مالکیت و مدیریت کمتر مشهود است، مشکل نمایندگی کمتری وجود دارد و هزینه نمایندگی مدنظر نیست و این سیستم با نظریه ذینفعان سازگار است. در این سیستمها از قدرت سوءاستفاده می‌شود، شفافیت کمی وجود دارد و معاملات مبهم و غیرشفاف است. سهامداران اقلیت و دیگر ذینفعان نمی‌توانند از عملیات شرکت آگاه شوند و مدیریت در قبال ذینفعان (به جز مالکان عمده) کمتر پاسخگوست.

به نظر می‌رسد در این سیستمها برای افزایش شفافیت و حفظ حقوق سایر ذینفعان و پاسخگو بودن مدیریت‌ها به آنان و جلوگیری از سوءاستفاده مالکان عمده که رابطه نزدیکی با مدیریت‌های شرکتها دارند، وجود قوانین و مقررات قوی و نظارت بر اجرای آنها ضروری است.

در سیستمهای توان برون که در آن شرکتها بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران خصوصی و برون‌سازمانی قرار دارند، مدیریت از مالکیت جداست، در نتیجه مسئله نمایندگی و کاهش هزینه‌های نمایندگی مدنظر است.

این سیستمها با نظریه نمایندگی سازگار است؛ هرچند در سیستمهای برون‌سازمانی، شرکتها به طور مستقیم به وسیله مدیران کنترل می‌شوند، اما به طور غیرمستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون‌سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی، و همچنین سهامداران خصوصی هستند.

با توجه به ویژگیهای سیستمهای راهبری شرکتی، به نظر می‌رسد راهبری شرکتی در ایران بیشتر به سیستم توان درون نزدیک است و اگرچه در قوانین و مقررات موجود در ایران برای حفظ حقوق تمامی ذینفعان و جلوگیری از سوءاستفاده مالکان عمده موارد متعددی وضع شده است؛ اما به نظر کافی نیست و نظارت مؤثری هم بر رعایت آنها صورت نمی‌گیرد. برای افزایش شفافیت، رعایت حقوق تمامی ذینفعان، و پاسخگویی و انصاف (منصفانه بودن)، لازم است قانونی تحت عنوان راهبری شرکتی یا قانون شرکتها به طور خاص وضع و بر اجرای مؤثر آن نظارت شود.

با توجه به ساختار اقتصادی ایران که فعالیتهای اقتصادی توسط دولت و نهادهای عمومی صورت می‌گیرد تا زمانی که مفاهیم راهبری شرکتی از طریق وضع قانون در شرکتها دولتی و تحت مالکیت نهادهای عمومی الزامی نشود، موفقیت‌چندانی در زمینه شفافیت، عدالت، احقاق حقوق تمامی ذینفعان و پاسخگویی که شالوده اصلی راهبری شرکتی هستند، حاصل نخواهد شد.

در حال حاضر در ایران بیشتر سازمانها و شرکتها دولتی و نهادهای عمومی بزرگ که بخش عمده‌ای از فعالیتهای اقتصادی را انجام می‌دهند دارای حداقل معیارهای راهبری شرکتی از جمله واحد حسابرسی داخلی و کمیته‌های حسابرسی نیستند.

حتی برخی از آنها حسابرس مستقل، تفکیک مدیریت‌ها به مدیران اجرایی و مدیران غیراجرایی (نظارتی) ندارند و در برخی از واحدها به رغم تفکیک مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی (مدیریت دوقطبی)، مدیریت نظارتی (که در ایران به طور عمده به عنوان هیئت نظار شاخه می‌شود) از منابع و امکانات لازم برای اعمال نظارت برخوردار نیست.

با توجه به اینکه عمده شرکتها بورس ایران هنوز تحت مالکیت و کنترل همین نهادهای عمومی و دولتی هستند که

اول اینکه با توجه به ساختار مالکیت واحدهای اقتصادی در ایران (به طور عمده دولتی و عمومی) برای راهبری شرکتی قانون وضع شود و به کارگیری معیارهای آن از طریق الزام قانونی جزو وظایف ارکان راهبری واحدهای اقتصادی قرار گیرد.

دوم به منظور عضویت در ارکان راهبری واحدهای اقتصادی نیز به دانش و تجربه لازم برای اعضا توجه بیشتری شود، زیرا مجری اصلی نظام راهبری شرکتها ارکان راهبری واحدهای تجاری هستند و تا زمانی که آنان نسبت به مفاهیم راهبری شرکت آشنا نباشند و به لزوم به کارگیری آن اعتقاد پیدا نکنند تلاشهای انجام شده در این زمینه مفید نخواهد بود.

سوم اینکه مدیریت کلان کشور نحوه عمل کنونی خود در زمینه انتصاب مدیران کلان اقتصادی، که به طور عمده فردمحور است، را به سمت مهارت محور تغییر دهد و در مواقع خاص مراقبت کند تا وقایع خاصی مانند تحریم ها وسیله ای برای زیرپاگذاری اصول راهبری شرکتی به معنای عام و زیرپاگذاری کنترل های داخلی و حذف واحد حسابرسی داخلی نشوند.

چهارم نسبت به بحث آموزش ارکان راهبری واحدهای اقتصادی در زمینه نظام راهبری شرکتی اهتمام جدی و همه جانبه صورت گیرد.

واقعیت این است که بیشتر هیئت مدیره ها و مدیران اجرایی حتی تعداد زیادی از حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی کشور در این زمینه دانش و تجربه و آگاهی کافی ندارند و در چند سال اخیر بیشتر این مباحث در سطح اساتید دانشگاهی در حد متن ها و مقاله ها آغاز شده است و کمتر به اجرایی نمودن آنها توجه شده و حتی در سطح کارشناسی که بیشتر مورد نیاز واحدهای اقتصادی است مفاهیم به دانشجویان کارشناسی به نحو مناسب آموزش داده نشده است.

به امید روزی که در ایران قانون راهبری شرکتی جامع تدوین و اجرا شود و با سپاس فراوان از شما.

سازش

ما هم امیدواریم امید شما تحقق پیدا کند. برای شما



آرزوی موفقیت داریم.

خود آنها حداقل معیارهای راهبری شرکتی را دارا نیستند، چگونه می توان انتظار داشت در شرکتهای تحت کنترل آنها معیارهای راهبری شرکتی مؤثر و مفید برقرار شود. به نظر می رسد با توجه به ساختار مالکیت شرکتهای خصوصی نیز که به طور عمده در کنترل شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی است، به کارگیری نظام راهبری شرکتی در آنها و به کارگیری این معیارها از جمله وجود کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی در واحدهای تحت کنترل دولت و نهادهای عمومی اهمیت بیشتری دارد.

سازش

حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل برای بهبود گزارشگری مالی چه تعاملی باید باهم داشته باشند ؟ در ایران وضعیت به چه شکل است ؟.

اسدی

برای بهبود گزارشگری مالی، استقرار و حفظ کنترل های داخلی اثربخش که اطلاعات مالی قابل اتکا تهیه و ارائه کند، از ضروریات بوده و این مهم از جمله وظایف اصلی واحد حسابرسی داخلی است. از طرفی حسابرس مستقل برای کشف تحریف های با اهمیت اطلاعات مالی نیازمند شناخت از سیستم کنترل داخلی به منظور ارزیابی خطرهای حسابرسی و در نهایت تعیین روشهای حسابرسی است.

هرچه کنترل های داخلی که از جمله وظایف حسابرسی داخلی است، به طور اثربخش استقرار و اعمال شود، حجم رسیدگی های حسابرس مستقل کاهش خواهد یافت و حسابرسی داخلی و مستقل در زمینه اثربخشی سیستم های کنترل داخلی واحدهای اقتصادی باید با یکدیگر تعامل داشته باشند.

در ایران در حال حاضر با توجه به عدم استقرار واحدهای حسابرسی داخلی به نحو مناسب و جایگاه سازمانی نامناسب واحد حسابرسی داخلی، چندان تعاملی بین حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل برقرار نیست

سازش

پیشنهاد شما برای ارتقای جایگاه حسابرسی داخلی در شرکتها چیست ؟

اسدی